



The Role of Translation in Understanding the Quran: Scholars' Perspectives with Emphasis on Imam Khamenei's Perspective *

Hamidreza Tousi ¹ and Noushin Alipour ² and Ahmad Khaledi ³

Abstract



The Quran represents the primary source of religion, faith, and the essence of both material and spiritual life for humanity. Understanding the meaning of its verses holds paramount importance, especially in contemporary times. The more one comprehends the concepts and translations of the Quran in the modern era, the more they benefit from its effects, blessings, and particularly, a deeper understanding. Conversely, a lack of understanding of the Quran leaves one devoid of its guidance, blessings, and impacts. From the perspective of scholars, translation plays a crucial role in comprehending and understanding the Quran. The Quran is the most comprehensive and valuable Islamic source for guiding humanity, second only to Allah. This research focuses on the role of translation in understanding the Quran based on scholars' perspectives, particularly emphasizing Imam Khamenei's viewpoint. Employing a descriptive-analytical research method, this study delves into the significance of translation in understanding the Quran, emphasizing scholars' views and Imam Khamenei's perspective. The findings highlight that "translation" encompasses attention to context, recitations, divine teachings' comprehension, and a particular focus on fundamental meanings using Quranic keywords and core concepts according to the viewpoint of Ayatollah Khamenei and a segment of Islamic scholars.

Keywords: Translation, Understanding Quran, Recitations, Context, Imam Khamenei, Islamic Scholars.

*. **Date of receiving:** 29/05/2022, **Date of approval:** 01/05/2023.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: hamidreza_tusi@miu.ac.ir.

2. Second-level Seminary Student at Al-Zahra (S.A.) Seminary School, Deputy of Education at Shajareh Tayyibeh First High School, District 1 of Nadsa, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author): nalipor18@gimil.com.

3. Faculty Member affiliated with the University of Science and Research, Tehran, Iran: Khaledi.ahmad@yahoo.com.



نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای*

حمیدرضا طوسی^۱ و نوشین علیپور^۲ و احمد خالدی^۳



چکیده

قرآن منبع اصلی دین، ایمان و فرهنگ معنی‌بخش زندگی مادی و معنوی انسان است. آنچه اهمیت دارد فهمیدن معنای آیات آن در همه ادوار و مخصوصاً در عصر امروزی است؛ هرچقدر انسان در عصر امروزی از مفهوم و ترجمه قرآن آگاهی بیشتری یابد از آثار و برکات آن و به‌ویژه از فهم بیشتر بهره‌مند می‌شود و برعکس اگر کسی از قرآن چیزی نفهمد به همان اندازه نیز از هدایت و آثار و برکات قرآن بی‌بهره می‌ماند. قرآن کریم جامع‌ترین و ارزنده‌ترین منبع ناب اسلامی در جهت هدایت و سعادت انسان است که از دیدگاه دانشمندان ترجمه در فهم و درک قرآن حائز اهمیت است. قرآن کریم پس از خدای سبحان از هر چیزی برتر است. نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان پژوهش انجام گیرد؛ به روش توصیفی - تحلیلی پژوهشی در خصوص نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که «ترجمه» ناظر بر توجه به سیاق و قرائت آموزه‌های وحیانی موجب تأثیرگذاری در حوزه فهم کتاب آسمانی، انس با کتاب خدا، درک موعظه الهی و توجه خاص به معانی بنیادین در قالب کلمات کلیدی و محوری قرآن از دیدگاه مقام معظم رهبری و پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی می‌گردد.

واژگان کلیدی: ترجمه، فهم قرآن، قرائت، سیاق، امام خامنه‌ای، اندیشمندان اسلامی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱.

۱. استادیار جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران: hamidreza_tusi@miu.ac.ir.

۲. سطح دو حوزه علمیه الزهرا س، معاون آموزشی متوسطه اول شجره طیبه منطقه یکم ندسا، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول): nalipor18@gimil.com.

۳. احمد خالدی، هیئت علمی وابسته دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران: Khaledi.ahmad@yahoo.com.



مقدمه

مهم‌ترین راه برای فهم آموزه‌های بلند قرآن برای کسانی که آشنایی دقیقی با زبان عربی ندارند، ترجمه قرآن است. زیرا تأثیر ترجمه در فهمیدن مفاهیم عالی قرآن برای هر فرد مسلمان خصوصاً نسل امروز و جوانان جامعه که با اندیشه‌های عصر جدید مواجه هستند، امری ضروری به نظر می‌رسد. از دیدگاه مقام معظم رهبری قرآن کریم مراحل مختلفی دارد: در مرحله نازل، «عربی مبین» است و در مرحله برتر، «علی حکیم» و بین این دو مرحله نیز مراتب متوسط است. قرآن حبل پیوسته و مستحکمی است که یک سوی آن به دست خدای سبحان و سوی دیگر آن در دست انسانها است و تمسک و اعتصام به حبل الله و انس با آن مایه سعادت و سیادت دنیا و آخرت و مرحله اصلی قرآن است که همه این امور در صورت وجود یک ترجمه روان از قرآن به همه زبان‌های دیگر به دست می‌آید. ترجمه باید خیلی قوی و متین و بدون حشو و کلام زائد است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷).

ضرورت موضوع در این است، از آن جا که تأمین حیات متألّهانه انسان با فهم دقیق از قرآن روی می‌دهد و انسان در این راه از همه ظرفیت علمی و عملی خویش بهره می‌جوید مسلماً فهم قرآن به واسطه ترجمه در همه ابعاد فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و... روی می‌دهد و اگر افراد جامعه از ترجمه و فهم قرآن بی‌اطلاع و غافل و یا کم آگاهی داشته باشند و به سویی حبل متین قرآن حرکت نکنند، خسارتی در همه ابعاد فوق‌الذکر به جامعه اسلامی و افراد تحمیل می‌شود، لذا با توجه به عصر امروزی که نوعی مهبجوریت از قرآن و فهم آن در حال رخ‌دادن است و فهمیدن قرآن امری مهم در بعد ساختار معنوی افراد می‌باشد لذا ضروری است که در این خصوص پژوهش انجام گیرد تا هم قرآن در مهبجوریت نباشد و هم افراد جامعه اسلامی از آثار ترجمه و فهم قرآن در دنیا و آخرت بهره‌مند شوند.

از آغاز انتشار اسلام در سراسر جهان، نیاز مبرم به ترجمه و فهم قرآن برای تبلیغ اسلام و پیروی از آن احساس می‌شد. در میان اصحاب پیامبر اکرم ﷺ افراد غیر عرب مانند: سلمان فارسی و صهیب رومی و بلال حبشی و یهودیان و مسیحیان تازه‌مسلمان مسلط به زبانهای عربی و عبری بودند که احیاناً پاره‌ای از مفاهیم قرآن را برای هم‌زبانان خود ترجمه می‌کردند. علاوه بر این از سوی دانشمندان اسلامی ترجمه را موجب انس، توجه به کلمات کلیدی برای فهم قرآن و درک موعظه الهی دانسته‌اند.

بایستی توجه داشت که مترجم قرآن کریم علاوه بر آشنایی تخصصی و تسلط به دقایق و رموز کلامی بر هر دو زبان مبدأ و مقصد لازم است (خانی کلکای، ۱۴۰۱، ۱۰۱) به چه علوم دیگری آگاهی داشته باشد. از جمله این علوم، علم قرائات و اختلاف قرائات است به نظر می‌رسد تأثیر بسزایی در ترجمه دارند. (لک زایی قاسم نژاد: ۴۸) برای برخورداری از ترجمه‌ای دقیق، آگاهی از قرائت‌های مختلف و آنگاه انتخاب متناسب، ترجمه خود را سامان بدهد.

روشن است برای ارائه ترجمه متین و دقیق نیاز که مفهوم آیه و آیات به خوبی در نزد مترجم معلوم و مشخص باشند. این مهم آنگاه محقق می‌گردد که به سیاق و قرائت‌های متفاوت کلمات آیه، وقوف کامل و روشمند باشد. زیرا سیاق تأثیر اساسی بر فهم بنیادین معنای آیه دارد. از سوی دیگر با توجه به این که سیاق نقش مهمی در تعیین و اختیار یک وجه از قرائت دارد به‌طور غیر مستقیم بر بسامان رسیدن ترجمه مناسب اثرگذار است. در این میان مقام معظم رهبری در خصوص ترجمه قرآن و ارتباط آن با فهم قرآن در فحوای برخی بیانات خویش اشاراتی داشته‌اند.

در راستای دستیابی به پیشینه تحقیقی این موضوع کتاب‌ها و مقالات مرتبط با ترجمه و فهم قرآن بسیار هستند، به جهت رعایت اختصار به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود: ۱. کتاب: «درسنامه فهم روشمند قرآن»، تألیف: حمید محمدی؛ ۲. مقاله: «نقش ترجمه و تفسیر در فهم قرآن» نوشته: مصطفی حسین طباطبایی.

در هر صورت وجه تمایز نوشتار حاضر با این کتاب و پژوهش در این است که موضوع این نوشتار نوآوری دارد؛ زیرا دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص تأثیر ترجمه بر فهم قرآن در آن ذکر شده و بررسی می‌شود، در حالی که در سایر پژوهش‌ها و کتب به این امر اشاره نشده است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای چیست؟

الف. چارچوب مفهومی

در این قسمت از نوشتار به بررسی مفاهیم مورد نیاز تحقیق می‌پردازیم.

ترجمه: اصحاب لغت نظرات گوناگونی راجع به ریشه واژه «ترجمه» ارائه کرده‌اند: بعضی ریشه آن را عربی می‌دانند. این گروه بر سه دسته‌اند: بعضی مانند فِیومی از «ترجم» که چهار حرفی است دانسته‌اند (فِیومی، بی‌تا، ۹۲/۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۲/۴ و ۷۳) و برخی چون راغب از «رجم» عربی (به معنای سخن گفتن از روی حدس و گمان) گرفته‌اند (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۹۵). جمعی چون ابن‌منظور ترجمان را هم در ماده «رجم» و هم در ماده «ترجم» آورده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۶/۱). «رجم» دارای معانی گوناگون است از قبیل: قتل، کذب، عیب، گمان، دوست، همدم، لعن، شتم، هجران، طرد، سنگ‌پراندن و نشان‌دار ساختن جایی با سنگ (نفیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۳۷/۳).

کلمه ترجمه در معانی گوناگون بکار رفته است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بیان سیرت و اخلاق و نسبت اشخاص، چنانکه از شرح حال بزرگان به ترجمه احوال یا ترجمه مؤلف و از کتبی که درباره



احوال و اخلاق شخصیت‌ها نوشته شده به «کتاب تراجم» تعبیر می‌شود. به مقدمه کتاب که دیباچه و گزارشی از کتاب است «ترجمة الكتاب» گفته می‌شود (عمید، ۱۳۷۷: ۶۶۶) تبلیغ و رساندن کلام به کسی که آن را نشنیده است (طبری، ۱۴۰۹: ۶/۶۷).

ترجمه در معنای اصطلاحی عبارتست از: «فرآیند جایگزینی عناصر متن زبان مبدأ به وسیله عناصر متن زبان مقصد است؛ به طوری که عمل جایگزین سازی، خود زمینه‌ای را برای تعامل و تأثیر متقابل بین نویسنده متن اصلی و خواننده متن ترجمه شده فراهم سازد.» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۷۰). روشن است توجه به مبانی تفسیری، کلامی، ادبی و زبان‌شناختی ترجمه (رضایی اصفهانی، ۳۲-۳۳) از شرایط خاص ترجمه قرآن کریم است.

به طور کلی دوگونه ترجمه برای قرآن به کار می‌رود: ترجمه تحت اللفظی، ترجمه محتوایی تفسیری. ترجمه تحت اللفظی: در این گونه ترجمه ساختارهای دستوری زبان مبدأ به شبیه‌ترین معادل‌های آنها در زبان مقصد تغییر داده می‌شوند، اما در این روش هم، معنی قاموسی کلمات بدون توجه به متن ترجمه می‌شوند» (نیومارک، ۱۳۸۲: ۵۷). فقدان ترجمه مناسب از کنایه‌ها و استعاره‌ها، عدم توجه به حذف و تقدیر از جمله نقاط ضعف این گونه ترجمه است که به صراحت گویای عدم توجه به سیاق آیه‌های قرآن است (ناصری و دیگران، ۱۵۳: ۱۳۹۳-۱۵۶).

ترجمه محتوایی تفسیری: مترجم برای بازسازی فضای آیه در زبان مقصد و انتقال بهتر مفاهیم و نیز ارائه معنای تفسیری و مانند آن، توضیح‌هایی را در لابه‌لای ترجمه خویش می‌آورد (جوهری، ۱۳۸۴: ۱۴۲) یا اینکه مترجم برداشت‌های تفسیری خود را در ترجمه، بدون نشانه‌های مشخص کننده پرانتز یا قلاب، منتقل می‌سازد (همان: ۱۴۶).

فهم: فهم در لغت به معنای ادراک، استنباط، دریافت، درک، شعور، مشعر، هوش می‌باشد و در اصطلاح به معنی دانستن و به دل دریافتن مضمون چیزی و یا تصور شی از لفظ مخاطب (دهخدا، ۱۳۷۴: زیرواژه «فهم»).

قرآن: واژه «قرآن» مصدر است؛ مانند: رجحان، کفران، فرقان، نقصان و... (ابن منظور، ۱۴۱۴: ماده «قرأ») لغت‌شناسان درباره لفظ «قرآن» چند معنا بیان کرده‌اند. در این جا، به بیان دو معنا اکتفا می‌شود: ۱. قرآن، به معنای «جمع کردن و گردآوری» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸: ماده قراء) در وجه نام گذاری آن به «قرآن» گفته‌اند: چون قرآن جامع فواید کتاب‌هایی است که از سوی خدا نازل گشته (تورات، انجیل، زبور و...)، بلکه جامع فواید همه علوم می‌باشد؛ و بر این اساس قرآن گردآورنده علوم گذشتگان و آیندگان می‌باشد، اعم از علوم معنوی - که متعلق به انبیا و گذشتگان بوده است - و علوم مادی و تجربی و دنیوی: ۲. قرآن، به معنای «خواندن» (مرکز معارف، علوم القرآن عند المفسرین، ۲۲/۱): طبق این معنا، کتاب آسمانی مسلمانان به اعتبار آن که «خواندنی» است، «قرآن» نام گرفته است.

قرآن در اصطلاح: برای قرآن، تعریف‌های زیادی ارائه شده که هر کدام از این تعریف‌ها، ویژگی خاص خودش را دارد؛ از جمله: «قرآن عبارت است از کلام الهی که خداوند آن را به تدریج بر حضرت محمد ﷺ - خاتم پیامبران - به زبان عربی و لهجۀ قریش، نازل کرده است.... آیه ای از آن، قرآن گفته می‌شود، حتی بخشی از يك آیه نیز قرآن است.» (عسگری، ۱۳۷۸: ۲۶۱/۱).

اندیشمندان: جمع‌اندیشمند است در لغت به معنای، اندیشه ور، بخرد، دانا، فکور، متفکر است (انوری و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۳۱/۱)؛ در اصطلاح یعنی آن کسی که به‌صورت جدی و استدلالی در مورد موضوع‌های عام مانند فلسفه، سیاست، یا علم بیندیشد و تأمل کند (عمید، ۱۳۷۷: ۵۲۳).

ب. تأثیر ترجمه در فهم قرآن

در طول تاریخ اسلام در دو نوبت بحث جنجال برانگیزی پیرامون مسئله ترجمه قرآن انجام گرفته است، بعضی از موافقان مقصودشان از ترجمه، تفسیر قرآن به زبان عربی یا زبان غیر عربی و برخی منظورشان ترجمه معنوی یا تفسیری است نه ترجمه حرفی (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۲۳).

فهم و ترجمه قرآن در بیانات مقام معظم رهبری بسیار حائز اهمیت است و بارها در بیانات خود از مردم و جوانان خواسته است که ترجمه قرآن را بدانند تا آن را بفهمند به‌عنوان نمونه ایشان در بیانی فرمودند: «از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمۀ قرآن را بفهمید.» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم، در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۹).

از نظر مرحوم آیت‌الله خویی، مترجم قرآن باید معنی و مفهوم اصلی قرآن را خوب دریابد و سپس آن را به سادگی به زبان دیگر برگرداند. اگر در ترجمه قرآن همه این شرایط رعایت گردد، در این صورت نه‌تنها ترجمه قرآن اشکالی نخواهد داشت بلکه بسیار لازم و به‌جا خواهد بود که هر قوم و ملتی بتوانند با زبان خودشان از حقایق و مفاهیم قرآن برخوردار شوند؛ زیرا قرآن برای عموم مردم فرود آمده است و نباید لغت و زبان قرآن اختصاصی باشد و کسانی را که با این زبان خاص آشنایی ندارند، از حقایق عالی و تعالیم ربانی آن محروم و بی‌نصیب بمانند (خویی، ۱۳۸۸: ۶۶۰).

برای روشن‌شدن موضوع، لازم است نقش ترجمه در فهم قرآن از منظر اندیشمندان و همچنین دیدگاه‌های قرآنی مقام معظم رهبری بررسی نمود.



ج. رابطه سیاق با ترجمه

همچنان که روشن است ترجمه یعنی، «برگردان متنی از زبان مبدأ به زبان مقصد بدون کوچکترین افزایش یا کاهش در صورت و معنی» (صفوی، ۱۳۷۱: ۹). توجه به سیاق موجب فهم و درک درستی از متن داشت که خود شرط ترجمه دقیق متین و محکم است. گزینه‌های سیاقی تعیین‌بخش معنا می‌باشند. مترجم ساختار مناسب در زبان مقصد برای رساندن پیام مورد نظر و معادل بافت جمله در زبان مبدأ (عربی) را انتخاب می‌کند (لطفی‌پور، ساعدی، ۱۳۸۷: ۹۵) ترجمه می‌بایست هماهنگ با سیاق جمله انجام گیرد.

به‌عنوان نمونه در آیه ۳۳ سوره احزاب، «وَقَوْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» «(سیاق جمله) یعنی دو عبارت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» و «وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که پیش و پس از واژه «اهل بیت» قرار گرفته‌اند، دلالت بر برتری و تفضیل اهل بیت ﷺ می‌کنند که خود نشان‌دهنده اعراب نصب این واژه از باب اختصاص و مدح به تقدیر است (در تقدیر اعنی و امدح اهل البيت) (زجاج، ۱۴۰۸: ۲۲۶/۴).

در ترجمه‌های فراوانی مانند، دکتر رضایی اصفهانی و همکاران، فولادوند، قرشی، مکارم شیرازی، آیتی، سراج و... به هماهنگی سیاق و ترجمه توجه ویژه‌ای داشته‌اند (ستوده‌نیا، قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۸۸).

د. رابطه سیاق با قرائت

از آنجا که قول «تواتر قرائات هفت‌گانه» بنابر رای مشهور اندیشمندان شیعه و پاره‌ای از بزرگان اهل سنت به این علت که یا خبر واحد هستند و یا یک نوع اجتهاد قاریان از شرایط تواتر برخوردار نیستند (نک. اسکندرلو، رضوی اصیل، مبانی قرائی تفسیر، مجله مطالعات قرائت قرآن، ش ۱۲، ۱۳۹۸ ش)، تأثیرگذاری سیاق به مثابه دلیلی بر ترجیح قرائت ولو غیر مشهور، مبنایی نااستوار نبوده و توانایی تأثیرگذاری در فهم معنای آیات از نظر اندیشمندان اسلامی را دارد.

سیاق به‌عنوان یک قرینه اساسی در فهم معنای آیات، می‌تواند به‌طور غیر مستقیم بر ترجمه قرآن کریم اثر داشته باشد. سیاق با تعیین یک وجه از قرائت می‌تواند بر ترجمه اثرگذار باشد. (قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۹) ترجیح یک وجه از قرائت در مواردی بر اساس همسایقی آیه با قبل و بعد است. به عبارت دیگر سیاق می‌تواند گزینه‌ای مناسب برای انتخاب یک قرائت خاص باشد.

به عنوان مثال در جمله های سه گانه ذیل سیاق زمانی واحد خواهند داشت و روند کلام به صورت جمله خبریه است. «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ» (مکی بن ابی طالب، ۱۴۰۴: ۲۶۳/۱).

همچنین در باره آیه ۳۶ بقره «فَازْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» نیز اختلاف قرائت علت ترجمه متفاوت شده است.

در هر دو قرائت مشهور و غیر مشهور گرچه از نظر معنایی متفاوت اند ولی سیاق نقش مهمی در انتخاب نوع قرائت می کند. (قاسم نژاد، ۱۳۹۱: ۲۴ - ۲۵)

در قرائت مشهور فعل «فَازْلَهُمَا» لام با تشدید خوانده می شود (محمد سالم، محمد ابراهیم، التحفه المرضیه فی تحریر و جمع القراءات السبع من طریق الشاطیبه، قاهره: دارالبیان العربی ۱۴۲۷، ۱: ۱۶) در قرائت غیر مشهور فعل «فازالهما» خوانده می شود (سراج الدین، ۱۴۲۷: ۳۰).

در قرائت اخیر همساقی آیه قبل «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» با آیه مورد بحث از نظر طرفداران آن، دلیل اثبات قرائت کلمه به صورت «فازالهما» است. این در حالی است که طرفداران قرائت مشهور بر همساقی دو عبارت «فَازْلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا» با «فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ» دلیل مستحکم خود دانسته اند (قاسم نژاد، همان: ۲۵) ناگزیر ترجمه آیه شریفه با توجه به انتخاب یکی از دو دیدگاه متفاوت خواهد بود.

انتخاب قرائت غیر مشهور بر قرائت مشهور به دلیل سیاق آیه از سوی مفسر بزرگی مانند علامه طباطبایی در آیه ۵۳ مانده «وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ» مثال دیگری است که نشانگر تأثیر سیاق بر تعیین يك وجه از قرائت می تواند باشد (فاکر میدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

علامه طباطبایی کلمه قرائت رفع لفظ «بَقُول» در دیدگاه مشهور را به علت هم ساقی میان این آیه و آیه قبل از آن لَا تَقْرَبُوا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ را غیر مرجح دانسته و قرائت غیر مشهور یعنی قرائت يقول به نصب را ترجیح می دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳/۵).

هـ. ترجمه سبب درک موعظه الهی

یکی از تأثیرات و نقش های که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که سبب تقویت درک از موعظه الهی می شود. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: «کسانی که زبان آنها عربی است،



همین‌طور که قاری تلاوت می‌کند، اینها که نشسته‌اند، ولو نه به‌صورت کامل، آن را می‌فهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمی‌فهمد. بلا تشبیه مثل گلستان سعدی که انسان آن را مثلاً در جمعی بخواند. خوب، گلستان سعدی فارسی بلیغ است، مردم هم می‌فهمند؛ اما دقائق و جزئیاتش را فقط ادبا، اهل ذوق و اهل درک بالا می‌فهمند. حالا این را هزاران برابر بکنید. قرآن اینجوری است. دقائق و لطائف و جزئیات را ممکن است مستمع عرب‌زبان معمولی نفهمد، اما بالاخره مفهوم این کلمات را می‌فهمد؛ لذا دلش رقیق می‌شود؛ لذا در شنیدن تلاوت قرآن اشک می‌ریزد؛ چون موعظه الهی را درک می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان، تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۲).

در میان فقهای معاصر شیعه مرحوم استاد آیه الله العظمی خویی راجع به ترجمه قرآن و شرایط تأثیرگذار آن در فهم و درک آیات آن چنین مرقوم داشته‌اند: «خداوند پیامبرش را برای هدایت مردم فرستاد و او را به وسیله قرآن پیروز گرداند؛ قرآنی که در بر دارنده آنچه راست است که آنان را به سعادت می‌رساند و به مراتب کمال ارتقا می‌دهد. و این لطفی است از جانب خدا که اختصاص به قومی ندارد، بلکه تمامی بشر را شامل می‌شود، افزون بر اینکه تعالیمش عام و هدایتش جهان‌شمول است و از این رو واجب است که هرکس قرآن را بفهمد تا به وسیله آن هدایت یابد و شکی نیست که ترجمه آن به این مهم کمک می‌کند، ولی باید در ترجمه تسلط و احاطه کامل به لغتی باشد که قرآن از آن به زبان دیگر منتقل می‌شود، زیرا ترجمه هر اندازه که خوب باشد نمی‌تواند وفادار نسبت به مزایای بلاغتی آن باشد که وسیله برتری قرآن است، بلکه این شرط در هر کلامی معتبر است، زیرا ممکن است که ترجمه بر عکس آنچه از متن اصلی اراده شده، باشد. بنابراین در ترجمه قرآن، فهمیدن قرآن شرط است (خویی، ۱۳۸۸: ۶۵۸).

و. ترجمه موجب انس و حفظ آن

یکی دیگر از تأثیرات و نقش‌هایی که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که سبب بیان مفاهیم قرآن به دیگر زبان‌ها می‌شود و همچنین ترجمه و فهم بالا سبب تدبر انسان در متن آیات الهی می‌شود و همین امر با مأنوسیت در آموزه‌های قرآنی و در نتیجه علاقه‌مندی انسان به آیات قرآن و مفاهیم قرآنی و حفظ آنها می‌شود.

البته برای این اساس برخی اندیشمندان قرآنی گفته‌اند که ترجمه قرآن اگر متعذر نباشد، متعسر است؛ یعنی ترجمه آن ناممکن نیست؛ ولی بسیار دشوار است، زیرا قرآن عربی مبین است: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ (یوسف: ۲)؛ «در حقیقت ما آن را در حالی که خواندنی (واضح) عربی است، فرو فرستادیم».

بر اساس دیدگاه‌های لندی‌شمندان قرآنی زبان عربی را عربی مبین می‌گویند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۲۹/۹). زبان قرآن دقیق و گسترده است و می‌تواند لغات و مفاهیم دیگر زبان‌ها را بیان کند؛ ولی زبان‌های دیگر از بیان مفاهیم و ظرافت‌های زبان عربی عاجزند و گاهی برای ترجمه يك واژه مفرد عربی، باید از چند واژه كمك گرفت، تا مفاد آن را بیان کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۶۳۷/۱۷).

معنای اخیر یعنی كمك گرفتن از چند واژه جهت كمك گرفتن برای بیان ظرافت‌های زبان عربی قرآن در اصطلاح ترجمه «انتقال» نام دارد. انتقال یعنی واژه یا تعبیر یا قالب بیانی به‌طور غیر مستقیم از زبان مبدأ وارد زبان مقصد شود؛ زیرا در زبان مقصد معادلی برای چنین عناصری یافت نمی‌شود. مثلاً در زبان فارسی معادل قرآنی (عربی) اسلوب نفی، آلا یافت نمی‌شود. (ناظمیان و قربانی، ۱۳۹۲: ۹۹) زیرا انتخاب معادل‌های مناسب در زبان مقصد به جهت رساندن پیام از زبان مبدأ معادل یابی نام دارد. مترجم پیام را از ساختاری زبانی مورد استفاده نویسنده که حاوی پیام مورد نظر اوست به زبان مقصد برمی‌گرداند.

با این همه ترجمه روان و فهم آن باعث انس قرآن می‌شود و در قرآن به انس با قرآن اشارات بسیاری شده آنجا که خداوند فرمودند: ﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُم نُورًا مُّبِينًا﴾ (نساء: ۱۷۴)؛ «و نوری آشکار به سوی شما فروفرستادیم». بر اساس تفاسیر در زیر این آیه آمده که قرآن کتاب نور است (قرآنی، ۱۳۸۲: ۲۲۲/۲) و کسی که انس با قرآن داشته باشد از نورانیت آن بهره‌مند می‌شود (طیب، ۱۳۷۸: ۲۸۳/۴).

مقام معظم رهبری با اشاره به اینکه ترجمه قرآن باعث فهم بهتر و حفظ بهتر قرآن می‌شود چنین می‌فرماید: «قرآن‌های ترجمه‌دار، یا دستگاه‌هایی درست کنند که وقتی قاری آیه را می‌خواند، همزمان، ترجمه آن آیه بر صفحه‌ای نوشته شود و همه آن را ببینند و بتوانند بفهمند؛ یعنی ضمن این‌که از صوت زیبایی قاری لذت می‌برند، از معانی آیات کریمه قرآن هم لذت معنوی ببرند. بنده تأسف می‌خورم که شما برادران و خواهران که عاشق قرآن هستید غالباً از مفاهیم قرآن بهره زیادی نمی‌برید. حتی خود قراء هم این‌گونه‌اند! این، برای ما خیلی مایه غصه و تأسف است. من عرض کرده‌ام؛ الان هم مجدداً تکرار می‌کنم: برادران قاری، هر آیه و هر قسمت از سوره‌ای را که می‌خواهند بخوانند، حتماً سعی کنند معنا و ترجمه آن قسمت را یاد بگیرند. این، در فهم و تلاوت تأثیر می‌گذارد. وقتی شما معنا را می‌دانید یک‌طور حرف می‌زنید و وقتی نمی‌دانید یک‌طور دیگری حرف می‌زنید. بفهمید که چه موضوعی رایج مخاطبینتان می‌گویید» (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۵).



ز. ترجمه علت توجه به کلمات کلیدی و کانونی

یکی دیگر از تأثیرات و نقش‌هایی که ترجمه روان در فهم قرآن دارد این است که باعث توجه به کلمات کلیدی قرآن و مفهوم و معنای آنها می‌شود؛ زیرا یکی از مشکلات مهم ترجمه و تفسیر قرآن کلمات کلیدی یا اصطلاحات آن است. مترجم و مفسر باید بداند که مفهوم بسیاری از کلمات قرآنی به همان معنای لغوی محدود نمی‌شود، بلکه قرآن آنها را در مفاهیم وسیعی بکار برده و با روش‌های خاص خود چهره‌های گوناگون و معانی گسترده‌ای برای آنها ابداع کرده است، به طوری که نمی‌توان این نوع کلمات را به هیچ زبانی ترجمه کرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۰۵).

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا﴾ (یونس: ۵۷ - ۵۸)؛ «ای مردم! یقیناً از طرف پروردگارتان برای شما، پندی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است. بگو: به بخشش خدا و به رحمت او (خوشحال شدن نیکوست؛) پس باید (مؤمنان) بدان شادمان شوند، (چرا که) آن از هر آنچه گرد می‌آورند، بهتر است».

در گذشته علمایی چون راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن و ابی منصور ثعالبی نیشابوری در کتاب فقه اللغة و علمای علم اصول فقه مانند شهید ثانی صاحب معالم در مباحث الفاظ تا حدودی به کلمات کلیدی و اصطلاحی قرآن توجه کرده‌اند و معتقد بودند که ترجمه قرآن باعث فهم کلمات کلیدی قرآن باید باشد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه نورانی به چهار مرحله سلوک که انسان برای رسیدن به درجات عالی قرب الهی و محبوبیت نزد خدایوند نیاز دارد اشاره نموده‌اند که این چهار مرتبه سلوک به واسطه قرآن و ترجمه دقیق آیات آن و کلمات محوری آنها تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۰/۱۱۹).

اخیراً نیز مطالعاتی عمیق و ابتکاری توسط پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو مترجم ژاپنی قرآن صورت گرفته است. وی کلمات کلیدی را چنین تعریف می‌کند: «کلماتی را که نقش واقعاً قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند، به نام «کلمات یا اصطلاحات کلیدی» قرآن می‌نامیم. از این قبیل است کلمات الله، اسلام، ایمان، کافر، نبی و رسول؛ مهم‌ترین و نیز دشوارترین کار دانشمند معنی‌شناس که می‌خواهد قرآن را از این لحاظ مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد، استخراج اصطلاحات کلیدی قرآن از میان واژگان قرآنی است، چه تعیین‌کننده همه کارهای تحلیلی آینده وی همین استخراج اصطلاحات کلیدی است. بدون شك این عمل شالوده تمام بنایی است که باید بسازد» (ایزوتسو، ۱۳۹۹: ۲۲ - ۲۳).

مثلا کلمه «کتاب» يك معنای اساسی یا محتوای تصویری ویژه خود را دارد و آن «نوشته» و «نامه» است که اگر آن کلمه را از قرآن هم بیرون آوریم، این معنی را برای خود حفظ می‌کند. این معنی را می‌توان به نام معنی «اساسی» آن کلمه خواند. ولی این معنای اساسی تمام معنی آن کلمه نیست و در اینجا سیمای دوم معنی کلمه آغاز می‌شود. در قرآن کلمه «کتاب» همچون نشانه‌ای از يك مفهوم و تصور دینی خاص با هاله‌ای از قدسیت احاطه شده و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده که ارتباط نزدیک با تصور و وحی الهی و سایر مفاهیم همچون الله، تنزیل، نبی و اهل به معنی «مردم» در ترکیب خاص «اهل الکتاب» دارد.

از آن پس، این کلمه در زمینه قرآنی باید در رابطه و نسبت با این اصطلاحات در نظر گرفته شود و تا زمانی که کلمه «کتاب» در متن قرآنی به کار رفته باشد، جزئی از معنی آن کلمه است که البته جزء بسیار مهم و اساسی معنی و بسیار مهم‌تر از خود معنی اساسی آن است (شهید ثانی، ۱۴۰۸: ۳۳-۴۷).

ایزوتسو این بخش از معنی را معنی «نسبی» کلمه نامیده و در چارتی، این چنین به معرض نمایش در آورده است. نمونه دیگر، واژه «یوم» است که معنای اساسی آن «روز» است و در قرآن میدان‌های خاصی پیدا کرده و از جمله میدان آخرتی آن است که ارتباط مستقیم با رستاخیز و داوری آن روز دارد و از کلماتی همچون قیامت و بعث و دین و حساب و غیره به وجود آمده است.

به قول پروفیسور ایزوتسو در قرآن جوّ و محیط نیرومندی بر این واژه فرمان می‌راند که چون به میدان می‌آید، بلافاصله دسته‌ای از اشتراک‌ها و وابستگی‌های تصویری در پیرامون آن تشکیل می‌شود و تصور «روز» رنگ خاص آخرتی پیدا می‌کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۰۶).

دیگر، کلمه «الیوم» (روز معین) در این میدان خاص نه به معنی روز متعارفی بلکه به معنای روز واپسین و روز دادرسی خواهد بود. همچنین کلمه «ساعة» در قرآن به معنی وقتی است که در آن بندگان از ترس بی‌هوش می‌گردند و نیز وقتی است که در آن بر انگیخته می‌شوند و در آن قیامت برپا می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۳۱/۶).

همچنین ایزوتسو مقصود از کلمه کانونی را کلمه کلیدی خاصی می‌داند که نماینده و محدودکننده يك حوزه و محوّطه تصویری یعنی به اصطلاح يك «میدان معنی شناختی» نسبتاً مستقل و متمایز در درون يك کلّ بزرگتر از واژگان است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۱).

اگر کلمه‌ای در يك میدان معنی شناختی عنوان کلمه کانونی پیدا کرده است، این امر به هیچ وجه مانع آن نیست که همین کلمه در میدان‌های دیگر تنها کلمه کلیدی باشد. مثلاً کلمه «ایمان» با همه



کلمات مشتق شده از ریشه آن را اگر از جنبه کانونی مورد توجه قرار دهیم، عده‌ای از کلمات کلیدی را همچون دانه‌های خوشه پیرامون آن مشاهده می‌کنیم که روی هم رفته یک حوزه و محوطه تصویری را را در داخل کلّ واژگان قرآنی تشکیل داده‌اند. برخی از این کلمات مانند «شکر» و «اسلام» (تسلیم شدن) و «تصدیق» (درست انگاشتن وحی) و «اللّه» به عنوان موضوع ایمان و جز اینها در جهت مثبت، و کلماتی چون «کفر» (بی ایمانی) و «تکذیب» (دروغ شمردن وحی) و «عصیان» (نافرمانی) و «نفاق» (به دروغ خود را با ایمان نشان دادن) و غیره در جهت منفی پیرامون کلمه محوری «ایمان» جمع شده‌اند که همه گروه را نمایش می‌دهند و متحد می‌کنند و از این راه میدانی نسبتاً مستقل از تصویرها پدید می‌آورند.

در هر سوره قرآن کلمه یا کلمات کلیدی و محوری وجود دارند که آیات و موضوعات گوناگون آن سوره را به یکدیگر مربوط می‌سازند، منتها بعضی محور خاص و بعضی محور عام هستند؛ کلماتی مانند: عهد و میثاق، تقوی و متّین، تأویل، ذکر و تذکار و ...

کلمه «عهد و میثاق» محور تمامی کتاب‌های آسمانی است، زیرا تمامی آنها عهدنامه و وثیقت نامه الهی با انسانها و ملت‌ها هستند و از این رو به تورات «عهد قدیم» و به انجیل «عهد جدید» و به قرآن «عهد اخیر» گفته می‌شود (سید قطب، ۱۴۱۲: ۸۲/۱) عهد و میثاق کلید هم‌بستگی آیات قرآن است و چنانچه آیات هر سوره را در دستگاه و فرمول میثاق قرار دهیم - علی رغم آنکه آنها را بیگانه از هم و در پیرامون موضوعات مختلف می‌یابیم - می‌بینیم که چگونه آیات به هم مربوطند و در سوی یک هدف، اجزاء و موادّ مختلف میثاق را تشکیل می‌دهند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۴۲۰). کشف و توجه به کلمات محوری به مترجم و مفسّر کمک خواهد کرد که به ارتباط آیات و ترجمه و تفسیر پیوسته دست یابد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۱۲).

مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرمایند: «... بینند در آیات مثلاً اوّل سوره فصلت تا آخر سوره، چند بار کلمه وحی آمده است. مثلاً در چند آیه به پیامبر اشاره شده است که این قرآن به‌سوی تو وحی می‌شود. مثلاً نکات مکرّر در سوره - هر سوره‌ای را که می‌خواهد بخواند - استخراج شود. در این سوره راجع به وحی مکرراً صحبت شده است. ...» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، در تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۷۳) از دیدگاه مقام معظم رهبری لزوم نزدیک شدن به فهم مفاهیم قرآن بسیار اهمیت دارد ترجمه کلمات کانونی در فهم معانی آیات تأثیر می‌گذارد.

نتیجه گیری

مقام معظم رهبری بارها در بیانات خود از مردم و جوانان خواسته است که ترجمه قرآن را بدانند تا آن را بفهمند به عنوان نمونه ایشان در بیانی فرمودند: «از شما جوانان خواهش می‌کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه قرآن را بفهمید». همچنان که گذشت در راستای پردازش مبنای نظری توصیه‌های حکیمانه معظم له و دیگر اندیشمندان اسلامی در خصوص ترجمه قرآن و ارتباط آن با فهم، انس، موعظه و توجه به معانی کلیدی قرآن یافته‌های ذیل اثبات گردید:

۱. در این تحقیق روشن گشت برای ارائه ترجمه متین و دقیق نیاز که مفهوم آیه و آیات به خوبی در نزد مترجم معلوم و مشخص باشند. این مهم آنگاه محقق می‌گردد که به سیاق و قرائت‌های متفاوت کلمات آیه، وقوف کامل و روشمند باشد. زیرا سیاق تأثیر اساسی بر فهم بنیادین معنای آیه دارد. از سوی دیگر با توجه به این که سیاق نقش مهمی در تعیین و اختیار یک وجه از قرائت دارد به طور غیر مستقیم بر بسامان رسیدن ترجمه مناسب اثرگذار است. سیاق در عین حال که عامل موثری در فهم آموزه‌های وحیانی دارد بلکه در انتخاب وجهی از وجوه قرائت ایفاگر نقشی فعال است بنابر این بالتبع موجب قوام بخشیدن به ترجمه دارد. از نظر اندیشمندان اسلامی خصوصاً مقام معظم رهبری، سیاق نقش سرنوشت سازی در فهم، محکم و متین کلام الهی ایفا می‌کند. ترجمه نیز مستلزم فهم دقیق و صحیح آیات الهی است.

۲. انس با کتاب الهی: از نظر اندیشمندان اسلامی خصوصاً مقام معظم رهبری با ترجمه مناسب، علقه معنوی میان شنونده و ترجمه مناسب آیات وحیانی ایجاد می‌گردد.

۳. درک موعظه الهی: ترجمه موجب درک دقائق و لطائف می‌گردد و شنونده ترجمه خوب با شنیدن آنها دلش رقیق می‌شود و موعظه الهی را درک می‌کند.

۴. توجه به کلمات و معانی کلیدی: در ترجمه خوب و حائز شرایط، کلمات و معانی کلیدی هر آیه که نقش اساسی در فهم پیام‌های هدایت بخش قرآن دارند برای مستمع غیر عرب زبان قابل درک می‌گردد.



فهرست منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۱۴ق..
۳. اسکندرلو، محمدجواد، و رضوی اصیل، سید مجتبی. (۱۳۹۸). مبانی قرآنی تفسیر. مطالعات قرآنت قرآن، ۷(۱۲)، ۹۵-۱۲۶. doi: 10.22034/qer.2019.2714
۴. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
۵. انوری و دیگران، محسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ش.
۶. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، مترجم: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۹ش.
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، قرآن ناطق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه اختتامیه مسابقات قرآن، ۱۳۷۱/۱۱/۵.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با قاریان در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۲.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرآنت قرآن کریم، در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۹.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم اختتامیه مسابقات قرآن، در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۴.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۵ش.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۱ش.
۱۵. جواهری، سید محمدحسن، پژوهشی در انواع ترجمه قرآن کریم، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴ش.
۱۶. خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، تهران: نشر وزارت ارشاد، ۱۳۸۸ش.
۱۷. خانی کلکای، حسین، و آذران سقین سرا، الناز. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی برگردان انواع واو در ترجمه‌های تفسیری قرآن الهی قمشه‌ای، فولادوند و رضایی. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۷(شماره اول)، ۱۰۱-۱۲۳.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۴ش.
۱۹. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، مفردات الفاظ قرآن، قم: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۲۰. زجاج، ابواسحاق ابراهیم بن سری، معانی القرآن و اعرابه، تحقیق دکتر عبدالجلیل عبده السبلی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۸ق.

۲۱. ستوده‌نیا، محمدرضا؛ قاسم‌نژاد، زهرا، تأثیر بافت کلام بر ترجمه قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
۲۲. سراج‌الدین، عمر بن زین‌الدین، البدور الزاهرة فی القراءات العشر المتواتره، تحقیق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۲۷ق.
۲۳. سیّد قطب، ابراهیم، تفسیر فی ظلال القرآن، قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۴. شهید ثانی، محمد، معالم الدین، مباحث الفاظ، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۸ق.
۲۵. صفوی، کورش، هفت گفتار درباره ترجمه، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱ش.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۲۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، چ پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم: نشر مکتبه النجفی مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۲۹. طبری، محمد، تفسیر طبری، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۳۰. طیب، عبدالحسین، تفسیر اطبیب البیان، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۳۱. عسگری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: کتب اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۳۲. عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۷ش.
۳۳. فاکر میدی، محمد، اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی، مجله قرآن شناخت، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: منشورات دار الرضی، بی‌تا.
۳۵. قاسم‌نژاد، زهرا، «نقش سیاق و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم، نشریه ترجمان وحی»، شماره پیاپی ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
۳۶. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۲ش.
۳۷. کلینی، یعقوب، اصول الکافی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۰۷ق.
۳۸. لطفی پورساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷ش.
۳۹. مکی بن ابی‌طالب، الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها وحججها تحقیق دکتر محیی‌الدین رمضان. بیروت: موسسه الرسالة ۱۴۰۴ق.
۴۰. ناصری و دیگران، ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.



۴۱. نفیسی، میرزا علی اکبرخان، فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۷۷.
۴۲. نیومارک، پیتر، دوره آموزش فنون ترجمه ویژه مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، مترجمان: دکتر منصور فهمیم، سعید سبزیان، تهران: انتشارات راهنما، ۱۳۸۲ ش.

References

1. Quran –e – Karim (*The Holy Quran*), Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani.
2. Agha Buzurg Tehrani, Mohammad Mohsen, *Al-Dhari'ah (The Means to Shia Ulama and Scholars' Works)*, Beirut: Dar al-Adwa', 1403 AH (1983 CE).
3. Amid, Hassan, *Farhang Loghat Amid (Amid's Lexicon)*, Tehran: Nashr-e Daneshgah, 1377 SH (1998 CE).
4. Anvari et al., Mohsen, *Farhang-e Bozorg-e Sokhan (Great Dictionary of Words)*, Tehran: Sokhan Publications, 1381 SH (2002 CE).
5. Asghari, Morteza, *Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Mudarrisin (The Noble Quran and the Narrations of the Teachers)*, Tehran: Kutub-e Islami, 1387 SH (2008 CE).
6. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari dar Didar ba Qarrian dar Tarikh 22/6/1386 SH, (*Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Reciters on 22/6/1386 SH*), September 13, 2007 CE.
7. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Didar-e Azaye Farhangestan-e Zaban va Adab-e Farsi (Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Members of the Academy of Persian Language and Literature)*, 27/11/1370 SH (February 16, 1992 CE).
8. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Jalsah-e Akhtamieh Mosebakhat-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Quran Competitions)*, 5/11/1371 SH (January 25, 1993 CE).
9. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Marasem-e Akhtamieh Mosebakhat-e Hifz va Qira'at-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Memorization and Recitation of the Quran Competitions)*, 9/8/1379 SH (October 31, 2000 CE).
10. Bayanat Maqam-e Moazzam Rahbari, *Dar Marasem-e Akhtamieh Mosebakhat-e Quran (Statements of the Supreme Leader in the Closing Ceremony of Quran Competitions)*, 14/10/1373 SH (January 5, 1995 CE).
11. Biazar Shirazi, Abdolkarim, *Qur'an Nategh (Speaking Quran)*, Tehran: Daftar Nashr Farhang-e Eslami, 1st Edition, 1377 SH (1998 CE).
12. Dehkhoda, Ali Akbar, *Loghat Nameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*, Tehran: Nashr-e Daneshgah, 1374 SH (1995 CE).
13. Eskandarlou, M. J., & Razavi Asil, S. M. (2019). Principles of Reading-based Exegesis. 5- QERA'T, 7(12), 95-126. doi: 10.22034/qer.2019.2714
14. Fakhr Meybodi, Mohammad, *Ekhtilaf Qira'at va Nokh-e An dar Tafsir az Didgah-e Allameh Tabatabai (The Variations in Recitations and Their Role in Exegesis from the Perspective of Allameh Tabatabai)*, Journal of Quran Shenasi, Issue 8, Fall and Winter 1390 SH (2011 CE).



15. Fayoumi, Ahmed Bin Mohammad, *Al-Misbah al-Munir (The Illuminating Lantern)*, Qom: Nashr-e Dar al-Radhi, Undated.
16. Gharraeezi, Mohsen, *Tafsir Noor (Noor Commentary)*, Tehran: Markaz-e Farhangi Dars-haye Az Quran, 1382 SH (2003 CE).
17. Ghasemnejad, Zahra, "*Naghsh-e Siyagh va Ehemiyat-e An dar Tarjome-ye Quran Kareem*," (The Role of Context and its Importance in Translating the Holy Quran), *Tarjoman-e Vahi Journal*, Issue 32, Fall and Winter 1391 SH (2012 CE).
18. Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, *Lisan al-Arab (Ibn Manzur, Mohammad Bin Mukarram, The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, 1414 AH.
19. Izutsu, Toshihiko, *Khoda va Ensān dar Qur'an (God and Man in the Quran)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Sherkate Sahami Enteshar, 1399 SH (2020 CE).
20. Javadi Amoli, Abdullah, *Dinshenasi (Religious Studies)*, Qom: Nashr Isra, 1385 SH (2006 CE).
21. Javadi Amoli, Abdullah, *Tafsir Tasnim (Tafsir of Tasnim)*, Qom: Nashr Isra, 1381 SH (2002 CE).
22. Javaheri, Seyyed Mohammad Hassan, *Pazhuheshi dar Anva-e Tarjome-ye Quran Kareem (A Study on Types of Translation of the Holy Quran)*, *Research in Quran and Hadith Studies*, Issue 42, 1384 SH (2005 CE).
23. Khoei, *Bayan dar Olum va Masael-e Koli-e Quran (Statement on the Sciences and General Issues of the Quran)*, Tehran: Nashr-e Vezarat-e Ershad, 1388 SH (2009 CE).
24. Khani kalgay, H., & azaran, E. (2022). A comparative study of the transliteration of the types of "Waw" in the translations of the Qur'an by Elahi Qamsha-e, Fulladvand, and Reza'i. *Comparative Studies of Quran*, 7(1), 101-123.
25. Kulayni, Ya'qub, *Usul al-Kafi (Principles of Kafi)*, Beirut: Dar al-Ilm, 1407 AH.
26. Lotfipour Sahdi, Kazem, *Daramad-e be Asoul va Ravesh-e Tarjome (Introduction to Translation Principles and Methods)*, Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, 1387 SH (2008 CE).
27. Maki Bin Abi Talib, *Al-Kashf 'an Wajuh al-Qira'at al-Sab' wa 'Ilalaha wa Hujjataha (The Unveiling of Aspects of the Seven Readings and their Reasons and Evidences)*, Researched by Dr. Mahdi Ramadan, Beirut: Mousassa al-Risalah, 1404 AH.
28. Nafisi, Mirza Ali Akbar Khan, *Farhang-e Nafisi (Nafisi's Dictionary)*, Tehran: Ketafrooshi Khayam, 1377 SH (1998 CE).
29. Nasiri et al., *Terjomeha-ye Tahat al-Lafzi-ye Ma'asir-e Quran Kareem be Zaban-e Farsi; Bartari-ha va Kastiy-ha (Contemporary Literal Translations of the Holy Quran into Persian; Superiorities and Shortcomings)*, *Journal of Quran and Hadith Translation Studies*, Issue 2, Fall and Winter 1393 SH (2014 CE).

30. Newmark, Peter, *Dore-ye Amoozesh-e Fanoon-e Tarjomeye Vizheh-e Maqaze Karshenasi va Karshenasi Arshad (Works of Techniques of Translation for B.S and M.S. Levels Students)*, Translators: Dr. Mansoor Fahimi, Saeed Sabzian, Tehran: Rahnama Publications, 1382 SH (2003 CE).
31. Raghieb Esfahani, Mohammad Bin Husayn, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quran Words)*, Qom: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1388 SH (2009 CE).
32. Safavi, Koresh, *Haft Goftar Darbareh Tarjome (Seven Talks on Translation)*, Tehran: Nashr-e Markaz, 1371 SH (1992 CE).
33. Saraj al-Din, Omar Bin Zain al-Din, *Al-Budur al-Zahira fi al-Qira'at al-Ashr al-Mutawatirah (The Clear Moons in the Ten Recitations)*, Edited by Sheikh Ali Mohammad Muawwaz and Sheikh Adel Ahmad AbdulMawjud, Beirut: Alam al-Kutub, 1427 AH.
34. Sayyid Qutb, Ibrahim, *Tafsir Fi Zilal al-Quran (Commentary in the Shade of the Quran)*, Cairo: Dar al-Shorouk, 1412 AH.
35. Shahid Thani, Mohammad, *Ma'alim al-Din, Mabath al-Alfaz (Religious Markers, Word Discussions)*, Beirut: Dar al-Ilm, 1408 AH.
36. Sotudehnia, Mohammad Reza; Qasemnejad, Zahra, *Taseer-e Bafte Kalam bar Tarjome-ye Quran Kareem (The Effect of Discourse Analysis on the Translation of the Holy Quran)*, Research in Quran and Hadith Studies, Issue 11, Fall and Winter 1391 SH (2012 CE).
37. Tabari, Mohammad, *Tafsir Tabari (Tabari's Commentary)*, Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiyah, 1409 AH.
38. Tabarsi, Fadl Bin Hassan, *Tarjome Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Translation of Majma al-Bayan in Quran Exegesis)*, Qom: Nashr Maktabah al-Najafi Marashi, 1403 AH.
39. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, *Al-Mizan*, 5th Edition (The Scale), Qom: Moasseseh al-Nashr al-Islami, 1417 AH.
40. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, *Tarjome Tafsir al-Mizan (Translation of Tafsir al-Mizan)*, Tehran: Islamic Publications, 1376 SH (1997 CE).
41. Taib, Abdul Hussein, *Tafsir Atyab al-Bayan (The Best Explanation)*, Tehran: Islamic Publications, 1378 SH (1999 CE).
42. Zajaj, Abu Ishaq Ibrahim Bin Sari, *Ma'ani al-Quran wa A'rabihi (Meanings of the Quran and its Grammar)*, Beirut: Alam al-Kutub, 1408 AH.